

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه اول خرداد ماه ۱۳۱۱ * (۱۶ محرم ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس .
- (۲) شور اول لایحه اعتبار ذغال سنگ اطراف شهر تبریز .
- (۳) شور دوم لایحه اصلاح انحصار تریاک .
- (۴) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه بیست و دوم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - آقای امیر ابراهیمی را غائب بی اجازه نوشته بودند خواستم تذکرأ عرض کنم که ایشان استعجزه کرده بودند .

رئیس - برای اینکه ممکن است سئوالات دیگری هم که میشود از این مقوله باشد برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که کمیسیون عرایض و مرخصی اظهار موافقت کرده ولی بواسطه تعطیل جریان طبیعی خود در آن کرده است .

آقای جشیدی

جشیدی - بنده هم میخواستم راجع با آقایان دکتر سنک و

معتصم سنک عرض کنم که آنها را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته بودند در حالیکه هر دو آقایان کسالت دارند و بوسیله بنده از مقام منبع ریاست استعجزه کرده اند این بود که میخواستم استدعا کنم تصحیح شود .

رئیس - اصلاح میشود . آقای بروجردی

بروجردی - بنده را غائب خواندند چون فرمودید اصلاح میشود دیگر عرضی ندارم .

رئیس - آقای عراقی

* * * عین مذاکرات مشروح هشتاد و ششمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد .

غائبین با اجازه - آقایان : آشتیانی - طالش خان - ملک آرائی

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمور تنش - ناصری - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر امیر اعلم - امیر ابراهیمی - میرزا سید احمد بهبهانی - حاج حسین آقامهدوی - ظهرانی - معتصم سنک - دکتر سنک - میرزا احمد تقی بروجردی - یونس آق و هابزاده - عبدالحسین خان دیبا محمد تقی خان اسعد - آقازاده سبزواری - مجسن خان ذرا گوزلو - دیر سهرابی - شریعت زاده دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : بقوانی - عراقی - مسعود نابتی .

عراقی - عرض بنده هم راجع بامیر جنک بود
رئیس - انهم اصلاح میشود. در صورت مجلس دیگر نظری نیست (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد
[۲ - شور اول لایحه امتیاز زغال سنگ اطراف شهر تبریز]
رئیس - جمعی از آقایان نمایندگانی تقاضا کرده اند که اعطاء امتیاز زغال سنگ اطراف تبریز مطرح شود. (صحیح است)

خبر کمیسیون

کمیسیون اقتصاد ملی در دو جلسه با حضور آقای رئیس و نماینده اداره کل صناعت لایحه نمره ۸۹۵ دولت را راجع باعطاء امتیاز زغال سنگ اطراف شهر تبریز باقی مسعود خان عدل مطرح نموده بطریق ذیل مواد آن را با موافقت رئیس کل صناعت تصویب و خبر آنرا به مجلس شورای ملی عرضه میدارد.

ماده ۱ - مجلس شورای ملی با اداره کل صناعت اجازه میدهد که امتیاز انحصاری مانع الغیر استخراج و استفاده از معادن زغال سنگ اطراف شهر تبریز را از نقطه مرکزی ارگ تا دوازده فرسخ از هر طرف برای مدت پانزده سال باقی میزاد مسعود خان عدل اعطاء نماید.

ماده دوم - دولت میتواند استخراج یکی از معادن زغال سنگ واقعه در منطقه امتیاز را برای خود محفوظ داشته و آنرا استخراج نماید. انتخاب معدن مزبور باید در ظرف یکسال از تاریخ اعطای امتیاز بعمل آمده و صاحب امتیاز کتباً اطلاع داده شود.

ماده ۳ - مؤسسات مربوط باین امتیاز از تادیه هر گونه مالیات در پنجسال اول مدت امتیاز معاف خواهند بود پس از آن باید فقط صدی پنج ۵٪ عایدات خالص خود را همه ساله بدولت بپردازد. ترتیب تعیین و تشخیص عایدات خالص بموجب قرارداد جداگانه بین دولت و صاحب امتیاز معین خواهد شد.

ماده چهارم - صاحب امتیاز بامنظور داشتن مخارج ضروری اداری و بهره برداری و حقوق دولت و وجوه

لازمه برای استهلاك سرمایه و کسر و نقصانی که برای آلات و ادوات باید منظور داشت قیمت زغال را بمیزانی باید معین کند که بیش از صدی بیست ۲۰٪ بعنوان منفعت خود علاوه نشده باشد.

تبصره - برای مقادیری که دولت جهت احتیاجات خود اذیاع خواهد نمود فقط صدی ده ۱۰٪ نفع منظور میشود.

ماده ۵ - سایر شرایط این امتیاز مطابق مواد ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ و قانون مهرماه ۱۳۰۹ راجع بامتیاز زغال سنگ اطراف شهر مشهد خواهد بود.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای ملک زاده **دکتر ملک زاده** - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

روحی - بنده اول اجازه خواستم.

رئیس - آقای طباطبائی شما در ماده اول اجازه خواسته بودید.

طباطبائی - خیر در کلیات است آقای

رئیس - این خط خودتان است در ورقه خارج بمجلس نوشته شده معاينه فرمائید.

طباطبائی - این ورقه لایحه تریک است بنده در زغال سنگ اجازه خواسته بودم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده با اینکه کاملاً با امتیاز معادن موافقم بعزت اینکه معادنی که در این مملکت در اطراف هست هنوز از شان استفاده نشده این يك موضوعی است که واقعاً خیلی قابل اهمیت است و باید موافقت کرد لیکن يك موضوعی است که لازم است بعرض آقایان برسد و آن این است که ما بر حسب ترتیبی که بین خودمان مقرر است باید مطالب اول در فرا کمیون مطرح شود و مطابق دستوری که داریم در فرا کمیون مذاکراتمان را بکنیم بعد که تصویب شد بیاید مجلس این لایحه در فرا کمیون

مطرح نشده و فقط عرض بنده این بود که باید در فرا کمیون مطرح شود بعد بیاید مجلس

رئیس - آقای دیبا موافقت؟

دیبا - مخالفم

رئیس - آقای فاطمی موافقت؟

فاطمی - بله بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

فاطمی - بنده مخالفی ندیدم که موافقت خود را عرض کنم فقط مطلبی را که آقای مؤید احمدی فرمودند این مسئله همینطور است که تذکر دادند در قسمت لایحه مهم همینطور بوده است ولی خیلی لواطی را هم بنده سراغ دارم که در همین جلسه گذشته با اینکه در فرا کمیون نیامده بود در مجلس مطرح شد (طباطبائی - این دلیل نمیشود آقای) بعلاوه موضوع هم موضوع مهمی نیست (طباطبائی - خیلی مهم است) از نقطه نظر تشویق مهم است از نقطه نظر اینکه مجلس شورای ملی مخصوصاً باید این لایحه را با خیلی اظهار رضایت و خشنودی تلقی کند مهم است نه از نقطه نظر اینکه چون در فرا کمیون مورد مذاکره نشده مهم است و در مجلس نباید مطرح شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - موافقم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده اساساً با استخراج معادن کمال موافقت را دارم خاصه نسبت باذربایجان که در آنجا يك معادنی هست که حقیقهً خیلی خوب و قابل استخراج است حتی معدن طلا هم دارد و آنچه شنیده شده از طرف اداره صناعت هم در استخراج آنها اقدامی شده است ولی نسبت باین لایحه بخصوص اولاً عقیده بنده هم این است که آقای مؤید احمدی فرمودند معهود ما این بود که بدو این لایحه می آمد در فرا کمیون و مذاکره میشد و هر کس که سابقه داشت نسبت بان لایحه می گفت و تصمیمی میگرفتیم و بعد در مجلس مذاکره میشد

ولی نسبت باین لایحه در خارج هیچ صحبتی نشده است (صحیح است) غالب آقایان نمایندگان آذربایجان يك سوایقی در آنجا دارند که باید راجع باین لایحه در خارج صحبت کنند بنا بر این عقیده بنده این است که این لایحه امروز از دستور خارج شود و در فرا کمیون صحبت بشود بعد در اساس لایحه عقیده بنده کلیه این است در باب معادن که دولت باید يك قانون کلی تنظیم و تقدیم مجلس نماید که در تحت آن قانون تمام مردم تشویق شوند و بروند استخراج کنند معادن را و الاً هر روزی يك معادن مخصوص را بشخص امتیاز بدهیم این بعقیده بنده صحیح نیست و راجع باین امتیاز هم این امتیاز البته يك سرمایه کلی میخواهد و در این لایحه هیچ سرمایه معین نشده و آنچه بنده در خارج شنیده ام ده هزار تومان سرمایه تعیین کرده اند ولی این ده هزار تومان ابتدا کافی نیست اگر مقصود صاحب امتیاز این است که مردم بروند این معدن را استخراج کنند امروزه در تبریز مردمی هستند که خودشان میروند و استخراج میکنند آنها را و می آورند باری پانزده قران میفروشند و اگر مقصود صاحب امتیاز این است که اگر بدون اینکه سرمایه داشته باشد بدون اینکه يك عملیات وسیعه عمیقه داشته باشد برود استخراج کند پانزده قران را سه تومان بفروشد او يك مطلبی است و الاً این کار سرمایه کافی میخواهد و باید انجام معین شود و یکی دیگر اینجاست بیست منفعت معلوم شده است من نمیدانم کدام سرمایه است در دنیا که پس از وضع مخارج صدی بیست هم صاحب امتیاز منفعت کند این است که بنده با این لایحه کمال مخالفت را دارم و عقیده ام این است که این لایحه بیاید در فرا کمیون و صحبت شود و آقایان تصمیمشان را بگیرند بعد بیاید در مجلس چون خیلی لایحه مهم است و باید نسبت بان در فرا کمیون تصمیم کلی اتخاذ شود.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اگر غیر از آقای دیبا کسی باین لایحه مخالفت میکرد غریب نبود ولی خیلی تعجب است که ایشان

در اینموضوع مخالفت میکنند!! عرض کنم که بنده استدالات آقای دیبارا تمام غیر حق میدانم یکی از استدالاتشان این است که باید بفراکسیون برود بنده عرض میکنم نباید برود چه لزومی دارد که بفراکسیون برود فقط ما تصمیم گرفتیم در لوائجی که دو فوریت دارد (دیبا - اینطور نبود) برای اینکه مبدا نظریه دولت با نظریه مجلس مخالف باشد برود در فراکسیون که در آنجا حق شود بعد بیاید در مجلس والا لایحه که دوشوری است و یک شورش در مجلس میشود و بعد میرود بکمپسیون و در آنجا هم درش شور میشود صحبت کردن در آن اشکالی ندارد اصلاً علت اینکه فراکسیون تصمیم گرفت که لوائج را قبلاً بانجا ببرند برای لوائج دو فوری بود (دیبا - خیر در تمام لوائج بود) اما لوائج دو شوری اینطور نیست آقا (طباطبائی دیبا - اینطور میشود) اغلب لوائج دولت بدون اینکه بفراکسیون برود در مجلس مطرح میشود بطوریکه آقای فاطمی گفتند بدین اینکه برود به فراکسیون اعضاء فراکسیون هم اینجا هستند فقط فراکسیون برای لوائج دو فوری است که در فراکسیون بطور خصوصی صحبت شود و قضایا حل کنند یعنی نظر دولت و نظر مجلس با هم یک راه حل پیدا کنند والا لوائجی که دوشوری است در مجلس مطرح میشود و بعد میرود بکمپسیون بعد دوباره کمپسیون تشکیل میشود و از آنجا برمیگردد این هیچ لازم نیست که بفراکسیون برود و بعقیده بنده نظریه شما بکلی مخالف با آن اصلی است که ما اتخاذ کردیم (چنین اصلی نبود) عرض کرده مکرر ملاحظه فرموده اید چقدر لوائجی به مجلس آمده است که بفراکسیون ترفه است. آقایان و کلاء بفرمایند چه قدر از این لوائج مجلس می آید (نمایندگان - خیلی آقا) (طباطبائی دیبا - هر لایحه آمده است باید برود بفراکسیون) پس بنا بر این مال الزام نداریم که هر لایحه را که در مجلس مطرح میکنیم در فراکسیون هم مطرح کنیم و این الزام به الا یلزم است

است و بنده و شما و دولت نشستیم فکر کردیم و آن را تصویب کردیم این راهم مطابق آن نوشته اند و بنظر بنده یک قانون خیلی خوب است بالاخره ما باید مردم را تشویق کنیم که اگر یکی ده هزار تومان بیست هزار تومان دارد این باید یواش را بکار بیندازد در نتیجه دو هزار نفر سه هزار نفر بکار بیفتند.

رئیس اداره کل صناعت - بنده اگر چه بواسطه گرفتاری اداری یکمدری دیر رسیدم و فرمایشات آقایان را راجع بکلیات این لایحه درست اصفا نکرده ولی بآن قسمتی که رسیدم برای استحضار خاطر مبارک آقایان بعرض میرسانم اصولاً راجع بامور اقتصادی نظر مجلس شورای ملی و دولت این بوده است که حتی المقدور یک تسهیلاتی بشود و مردم بتوانند از سرمایه خودشان و منابع اقتصادی مملکت استفاده کنند وقتی که ما این اصل را قائل شدیم و این نقطه اصلی را در مرکز عمل خودمان قرار دادیم آنوقت البته شعبی که از این منشعب می شود ممکن است روی همان فکر با یک نظر مساعد تری بکار برود. امور اقتصادی امروز در دنیا مشکلاتی امور زندگانی بشر را تشکیل میدهد و متأسفانه قسمت معادن هم یکی از مشکل ترین قسمت های اقتصادی است بنده اگر چه شخصاً یک آدم متخصص در امور معادن نیستم ولی مطابق اطلاعات کوچک و سطحی که پیدا کرده ام یکی از کارهای مشکل استخراج معادن است یک کسی که می آید سرمایه اش را برای استخراج معادن بکار می اندازد و واقعا یک مقدار سرمایه اش را کاملاً بخطر می اندازد (صحیح است) چنانچه خود دولت در اصفهان برای زغال سنک دوسال است جد و جهد می کند در صورتیکه تمام متخصصین از نقطه نظر علوم ژئولوژی و طبقات لاری می معلوم کرده اند صدی هشتاد و پنج زغال هست تا بحال مقداری پول دور ریخته ایم و هنوز اطمینان نداریم زغال خواهد بود یا خیر همین عمل معادن دریافت بزد هم معلوم شده است عمل معادن

یک کداری نیست که کسی یواش را برده باشد در بانک ملی گذاشته باشد و بخواید صدی شش صدی درازده منفعت بگیرد حضرت آقای دیبا فرمودند معادن صدی بیست منافع برایش زیاد است برای معدن صدی ۲۰ کم است آقا معدن جائی نیست ممکن است کسی صد هزار تومان سرمایه اش را بکار بیندازد بخطر بیندازد ولی صد دینار هم استفاده نکند ممکن است اقبالش بیاورد یک مبلغی که خرج کرد بیک منافع خیلی زیاد هم برسد بنابراین برای اینکه اشخاص را تشویق کنیم که سرمایه شان را بکار بیندازند باید یک اندازه هم مساعدت کنیم اما راجع بسرمایه شرکت که فرمودند بنده خیال میکنم اصلاً ما نباید این سؤال را بکنیم زیرا خود قانون معین کرده است که اگر اینها تا فلان مدت فلان عملیات را نکردند خود کنتراست مانعی است آقا تصور می فرمایند که امروز معدن زغال سنک را ممکن است که در تاجاله بکنند تا به آب رسید بروند جای دیگر این بهیچ جا نمیرسد پانزده من زغال هم نمیتوانند تهیه کنند آقایان باید در دست هزار تومان سرمایه داشته باشند حفر تونل بکنند مطابق اصول علمی امروزه دنیا بید استخراج معدن بکنند تا بتواند زغال سنک بیرون بیاورد مگر ب اصول چاله کشیدن که ما معمول داشتیم ممکن است که ما زغال پیدا کنیم؟ خیر ممکن نیست و آن کسانی هم که برای این عمل این کار را کرده اند تصور نمیکنیم این قدر بی فکر باشند و مدتی هم که در این لایحه ذکر شده است بعقیده بنده برای استخراج معدن پانزده سال بیست سال کوچکترین عمری است که ممکن است عمل کرد والا آقا بتاریخ استخراج معادن دنیا مراجعه بفرمایند آیا هیچ معدنی کمتر از پنجاه سال ممکن است که از آنجا بطرز واقعاً اصول علمی استفاده و بهره برداری کرد؟ گذشته از اینها این لایحه یک سابقه هم دارد که در لایحه مشهد هم این امتیاز داده شده است و مجلس شورای ملی تصویب فرموده اند این لایحه چندین قسمت مزایایی

دولت برایش قائل شده است نسبت بهمان امتیاز سابقه که در خراسان داده شده است و اما اصول کلی که آقایان فرمودند برای استخراج معادن نه این است که اداره صنعت این موضوع را فراموش کرده باشد بنده یکی از اصول مهمی را که از آن روزی که باین خدمت مفتخر شده ام در نظر داشته ام این بوده است که يك قانون کلی برای معادن در نظر بگیریم و با اکثر همکارهای مجلس هم مشورت کرده ایم و لواطی هم تهیه کردیم مطالعاتی هم شده است ولی دولت بيك دلائل و جهاتی که قطعاً از دلائل من محکم تر است فعلاً صلاح نمیدانند و شاید همینطور که لواطی فردی را تقدیم مجلس شورای ملی کرده است برای سیاست اولی و انطباق تصور میکنم آقای هم باین لایحه موافقت بفرمایند هم خدمتی بآذربایجان ما و هم خدمتی باوضاع اقتصادی مملکت کرده اند

نمایندگان - کافی است آقای

رئیس - آقای افسر پیشنهاد خروج از دستور را کرده اند که تقدم نظامنامه دارد قرائت میشود .

پیشنهاد آقای افسر :

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه زغال سنگ از دستور امروز خارج شود و در فراکسیون اول مطرح شده بعد بمجلس بیاید .

رئیس - آقای افسر .

افسر - اختلاف نظر هائی که بین نمایندگان و دسته های مختلف در مجالسهای قدیم بود و برای کارهای کوچک وقت زیاد تلف میشد و لایحه های کوچک چندین روز وقت مجلس را میکرفت و مکرر میشد چنانچه ملاحظه میفرمائید برای فروش چاپارخانه اصفهان که سی تومان قیمت کرده بودند چهار جلسه مجلس هدر رفت بالاخره یکی از تشیخ این عصر مخصوصاً این بود که اختلاف نظر هائی بین آقایان پیدا نمیشد و بایک وحدت نظری امور حل میشود و یکی از این کارها مسئله فراکسیون بوده که میرفتیم آنجا مذاکره

میکردیم و رفع اختلافاتمان میشد (صحیح است) اینکه آقایان میفرمایند مگر هر مذاکره را باید بیاوریم اینجا بکنیم؟ خیر اینطور نیست ولی خیلی از مذاکرات هست که بنده در فراکسیون پیش رفقا میکنم و اینجا نمیخواهم بکنم (بعضی از نمایندگان - در موضوع سیاسی اینطور است ولی موضوع جزئی اینطور نیست) عرض کردم در تمام مطالب همینطور است بعلاوه بنده بعنوان موافقت اجازه خواستم و کاملاً با همه این حرفها باین لایحه موافق هستم و با همه حرفها و قتیکه یکی از نمایندگان آذربایجان مخصوصاً آقای دیبا بنده را متذکر میکند که يك مطلبی هست که باید بگویند بنده باید فرض کنم که مطالبی هست و باید گفته شود و باید اعتماد داشته باشم بفرمایش ایشان حالا نمیشود گفت که اگر يك چیزی هست حکماً بیا پشت تریبون بگو يك چیز خیلی ساده بمجلس می آید و بنده ممکن است در خارج عرض کنم که این عیبش چه چیز است و حسنش کدام است و سرکار با همه موافقتی که دارید و آقای دشتی و دیگر آقایان متقاعد میشوند اگر اشاره نمیفرمودند بنده هم جزء موافقین بودم الان هم دفاع میکردم ولی چون يك فرمایشاتی فرمودند (دشتی - دو شور میشود) بالاخره دو شور نباشد بیست شور باشد علی ای حال این با عرض بنده ده شور هم منافاتی ندارد دیگر عرض میکنم این يك معدن نیست مسئله دوازده فرسخ اطراف است ممکن است يك مطالبی باشد مصلحت طور دیگر باشد بنده خودم دوازده سال تمام در معدن زغال سنگ مشغول با شرکاء کار کردم و خیلی ضرر کردم تازه آقای اسدی هم که با شرکائشان مشغول هستند باز هنوز نفعی نبرده اند با اینکه مشهد معدن منکشف دارد و آذربایجان گویا معادن منکشف هم باین تفصیل ندارد که الان حاضر باشد در اینجا از چهل سال پنجاه سال قبل از این کار شده بود باز هم بجائی نرسیده بوده که استفاده بکنیم و غیر از این هم چاره نداریم و معادن هم چنانچه

فرمودند بچاله کشیدن نمیشود ولی چون باید با نظر رفقا همراهی کرد و نظرشان را محترم شمرد . بنظر بنده هیچ ضرری ندارد که آقایان موافقت بفرمایند که از دستور خارج شود و برود بفراکسیون اگر دلائلی نبود که ما را قانع کنند این جا کاملاً مبارزه کنیم اگر هم بود خوب فکرش را میکنیم و اصلاح میکنیم معذک تمام عرایض بنده از نظر موافقت است و اگر به پیشنهاد بنده رای دادید معلوم میشود که واقعا نظرتان این است که این مهم است و باید برود در خارج و حل شود و اگر رای ندادید معلوم میشود اهمیتی ندارد و نظر مجلس این است که باید الان بگذرد و بنده هم موافقم و رای خودم را خواهم داد .

طهرانچی (مخبر کمیسیون) - همانطور که آقای دشتی فرمودند این لایحه در شورای است و این شور اولش است و تا شور دومش بر میگردد به کمیسیون و ممکن است اگر نماینده محترم و آقای دیبا نظریاتی دارند بکمیسیون تشریف بیاورند در فراکسیون هم ممکن است مطرح کنیم این لایحه در کمیسیون اقتصاد که مطرح شد از نمایندگان آذربایجان هم بودند و توضیحاتی داده شد آقای فرشی و آقای افشار بودند (طباطبائی دیبا - نمایندگان آذربایجان ۲۱ نفر هستند) ولی باز هم هیچ مانعی ندارد که نظریه آقایان هم تامین کنیم و در فراکسیون هم تشویر دوم لایحه را مطرح کنیم و این نظریه هیچ منافاتی ندارد با اینکه این لایحه مطرح شود .

رئیس - آقایانیکه با خروج از دستور موافقت دارند قیام فرمایند .

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . فرمودید مذاکرات کافی است آقایانی که موافقت با ورود در مواد دارند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود :

ماده ۱ - مجلس شورای ملی با اداره کل صنعت

اجازه میدهد که امتیاز انحصاری مانع للمغیر استخراج و استفاده از معادن زغال سنگ اطراف شهر تبریز را از نقطه مرکزی ارك تا دوازده فرسخ از هر طرف برای مدت پانزده سال باقای میرزا مسعود خان عدل اعطاء نماید .

رئیس - آقای روحی .

روحی - عرض کنم که عرایض بنده غیر از تمام این قسمتهائی بود که آقایان محترم همکارهای بنده فرمودند بنده شهادت گذشته همیشه یکنفری بوده ام که منتهای آرزو و آمالم این بوده است که در این مملکت شرکت تأسیس بشود معادن استخراج بکنند و از منابع قدیمی این مملکت حقیقه استفاده کنند و ما هم حقیقه روال دینارا پیش بگیریم و باین ترتیبی که همه دنیا هست پیش برویم ولی متأسفانه در عمر مجلس که ما بوده ایم يك دوسه فقره اتفاق افتاده است که آنهم برای بنده جز بآس هیچ چیز دیگری حاصل نگردد . بنده واقعا فکر میکنم که دولت که احاطه دارد در واقع بتمام قسمتهای مملکت و افراد چرا اینهارا دقت نمیکنند و چرا از گذشته قدری پند نمیگیرند و بالنسبه باین قضایا و امتیازاتی که داده است چرا اقدام نمیکند البته امتیاز خوب است و این مملکت وطن ما است و باید بدست ما آباد شود ما هم بکنیم نسل های بعدی آیند و آباد میکنند ولی امیدواریم که ما هم موفق بشویم این کار را بکنیم و مملکت را رو به آبادانی ببریم عرض کنم خاطر می آید در مجلس پنجم يك امتیازی داده شد به آقای عزت الله خان هدایت و حسنعلی خان هدایت برای رب سوس آقایان آمدند و دیجلس هم با يك سلام و صلواتی و بایک بشاشتی که میخواهند از علف صحرا رب سوس استخراج کنند امتیاز را دادند حساب کردیم ما نمایندگان که این امتیاز منافعتش چه قدر است يك صادرات مهم مملکت خواهد بود و باب تجارت در این مملکت مفتوح خواهد شد و حقیقه با يك اشتیاقی ما این امتیاز را دادیم و حالا چند سال است که این آقایان این امتیاز را در جیبشان گذاشته اند و ما هم يك ماده

نمیگذرانیم اگر نیامدند و نکردند خسارت مملکت را بدهند
لااقل خسارت اوقات گرانهای مجلس را بدهند. (این
جلسه مجلس شورای ملی را حساب کنید نه برای مملکت
چقدر تمام میشود؟) این خیلی گران است آقا خیلی
ذی قیمت است خیلی چیز آسانی نیست آقا مبالغه ها خرج
میشود چه خرج انتخابات چه خرج مباشرت چه خرج
دوایر تقنینیه مجلس تا يك قانونی میگذرد آوقت صاحب
امتیاز آنرا میگذارد به جیبش و میرود و عمل نمیکند
این میشود کان ام بکن شیئا مذکوراً یکی دیگر موضوع چاه
ارتزین بزد بود که در دوره شده امتیاز آنرا دادند يك
تاجر رشتی خاطر هم هست آقای فیروز آبادی اگر نظر تمان
باشد آقای دیبا (دیبا - بی صحیح است) همیشه این جا
صبح بلند میشد و خواهش میکرد که این را مقدمه در دستور
قرار بدهند آنرا هم بیک سلاه و صلواتی گذرانیدیم و گفتیم
که در يك وادی کویر و خشکی مانند بزد چاه ارتزین
احداث میکنند آب فوران میکند مرده زراعت میکنند
و بالاخره بزدی ها از این عسرت و تنگی آب و بدبختی
خلاص میشوند او هم امتیازش را گذاشت جیبش و رفت
و هكذا امتیاز آقویوس را می گذاریم و امثال اینها من
متمنم به آنکه دولت چرا بیک مدتی قرار نمیگذارد که اگر
در ظرف چند سال بین امتیاز عمل نکرد ما نمی خواهیم
بود این امتیازش را لااقل خسارت آن اوقات گرانهای
مجلس را بدهد اینها آقا بزد بزد سره ایشان را تهنیت
کنند کارهای مقدمه ایشان را بکنند متخصصین خودشان را
تهیه بکنند فوه و بویه های خود را بسنجند و به بپند
آنوقت تقاضای امتیاز بکنند و بگیرند (رئیس کل صنعت -
ماده ۲ و ۳ قانون امتیاز برب سوس را ملاحظه فرمائید)
و الا همینجور هم بپایند و امتیاز بگیرند و برراند که نمیشود
فردا هم بنده میخواهم از دوست قدیمی خودم آقای رئیس
صناعت تقاضا کنم به بنده هم امتیاز يك نقطه از کرمان را
مرحمت کنند. الان پنجاه ماده دو و سه راجع برب السوس
را آقای رئیس کل صنعت تذکر دادند خوب چطور شد؟

اشاره شده است و در آنجا تأمین گردیده است در این
قانون هم هست منتهی بالصراحه نیست فقط اشاره شده
است عرض کنم در قسمت سرمایه آنهم در ماده سه پیش بینی
شده است زیرا که باید صاحب امتیاز در مدت سه سال
کلیه احتیاجات شهر تبریز را از حیث ذغال سنگ رفع کند
و کوشش در ازدیاد هم بکند و در این جا هست که هر
جا را که نکرد از حوزه امتیازش خارج است بنا بر این
هر صاحب امتیازی کوشش خواهد کرد که سرمایه اش
را زیاد کند تا بتواند معدن را استخراج کند در قسمت
سرمایه خارجی هم باز بنده تصور میکنم در این قانون
پیش بینی شده است زیرا دیدگی از مواد آن قانون
است که اجازه می دهد که تا يك مقداری از سهام آن
شرکت را میتواند بتبع خارجه بفروشد البته تشکیل
شرکت را هم اجازه داده است باین صاحب امتیاز تمام
این مسائلی که فرمودند بنده تصور میکنم در اینجا هست
منتهی بصراحت عبارتی نیست بلکه در همان ماده ۱ و ۲
و ۳ و ۴ و ۵ امتیاز شهر مشهد هست که در آنجا نظر
آقایان کاملاً تأمین شده است.

رئیس - آقای بیات

بیات - عرضی ندارم

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - بنده يك توضیحی از آقای رئیس کل
صناعت میخواستم و آن این بود که آنچه بنده شنیدم
اساساً يك نفر در آذربایجان نسبت برودقت و مهر از رود
يك اجازه استکشافی داده اند و رسماً هم از طرف اداره
کل صنعت يك شرحی به آن نوشته شده است ظاهراً
آقای اعتبار هم مسبوق باشند که بتوسط ایشان بوده است
راجع باین شخص که این اجازه را میدهند چه ترتیبی
انخاذ خواهد شد.

رئیس اداره کل صنعت بطوریکه خود نماینده محترم فرمودند

در چهار ماه قبل و پنجماه قبل شخصی اجازه استکشاف
خواست در اصطلاحات معدنی استکشاف و استخراج و
امتیاز يك مراحل معینی دارد استکشاف حقی را برای
کسی اثبات نمی کند مخصوصاً که در آن تلگراف هم
این فراز ذکر شده است که دولت هیچ گونه حقی
را برای شما قائل نیست و در آیه هیچ نمی تواند این را
بخواهد حتی عین این دوسیه را آوردیم در کمیسیون
اقتصاد ملی چون حضرت آقای اعتبار خودشان عضویت
در کمیسیون داشتند و در حضور همه آقایان نمایندگان
محترم و ملاحظه فرمودند. استکشاف را که آن شخص
خواسته است راجع بدغال سنگ فقط نیست راجع بدغال
سنگ و سرب و مس و این ها است و البته اداره
وظیفه اش این بود که این امتیاز چون يك امتیازی بود
نافع باو تلگراف شد که شما در موضوع بدغال هیچ حقی
ندارید و آن استکشافی هم که اجازه داده بودیم هیچ حقی
برای این شخص اثبات نمیکند.
نمایندگان - کافی است.

رئیس - ماده دوم قرائت میشود.

ماده دوم - دولت میتواند استخراج یکی از معادن
دغال سنگ واقعه در منطقه امتیاز را برای خود محفوظ
داشته و آن را استخراج نماید انتخاب معدن مزبور باید
در ظرف یکسال از تاریخ اعطای امتیاز بعمل آمده و به
صاحب امتیاز کتباً اطلاع داده شود.

رئیس - اشکالی نیست: (نمایندگان - خیر) ماده
سوم قرائت میشود.

ماده سوم - مؤسسات مربوطه باین امتیاز از تأدیبه
هر گونه مالیات و عوارض در پنجسال اول مدت امتیاز معاف
خواهند بود پس از آن باید فقط صدی ۵ عایدات خالص خود
را همه ساله بدولت بپردازد ترتیب تعیین و تشخیص عایدات
خالص بموجب قرارداد جدا گانه بین دولت و صاحب امتیاز
معین خواهد شد.

رئیس - اشکالی نیست؟

دکتر طاهری - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - بنده خواستم سؤال کنم که اینکه نوشته است مؤسسات مربوطه باین امتیاز از تأدیه مالیات معافست مقصود چه چیز است؟ آیا محصول هم از تأدیه عوارض معاف میشود؟ مثلاً ذغال سنگی که استخراج میشود و بشهر می آورند عوارض بلدی می دهند یا نه زیرا اسم مؤسسه که شد به ذغال و محصول هم اطلاق می شود. اگر مقصود این است که محصول هم معاف باشد بایستی عبارت را تغییر داد و اگر مقصود این است که اصلاً این شرکت از پرداخت مالیات معاف باشد که با این طوری هم که نوشته شده است معاف می شود و کافی است ولی اگر منظور این است که از تمام عوارض محصول هم معاف است اولاً که موجبی ندارد که از عوارض بلدی معاف باشد و ثانیاً اینکه این عبارت هم وفا نمی کند حالاً هر کداهش است توضیح بدهند

رئیس اداره کل صناعت - همینطور که در ماده ذکر شده است در اینجا مقصود از مالیات مالیاتهای است که قانون برای این قبیل شرکتها وضع کرده است عوارض بلدی هم بک موضوع جداگانه است و هیچ مربوط بعمل ما نیست. شهر خودش بک نمائندگانی دارد بک عوارضی وضع میکنند که مربوط بهما نیست زنده در وقت ما بقیه پنج سال اول هم برای این است که سه سال اصلاً قسمت بهره برداری حاصلی نمی دهد که مالیاتی بهش تعلق بگیرد در قسمت معدن باید این چند سال را معافیت داد تا بمحصول برسد این است که این چند سال از آن مالیاتهای که برای مؤسسات معین شده و تصویب شده است باید معاف باشد و این البته بک چیز لازمی هم هست بشرا اگر اینقدر مساعدت نکنید ممکن نیست که موفق بشود و این در سه چهار سال اول هم این بک بخشش با معنوی هم نیست زیرا که اصلاً موضوع ندارد در سه چهار سال اول

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود
ماده چهارم - صاحب امتیاز بامنظور داشتن مخارج ضروری اداری و بهره برداری و حقوق دولت و وجوه لازمه برای استهلاك سرمایه و کسر و تقصانی که برای آلات و

آن آقای کازرونی البته خودشان مطلعند در قسمت تجارت اجناس منفعت مختلف دارد بک مالی است که ممکن است ده بک منفعت داشته باشد ذغال سنگ فرخاً هم تازه دریابد و فروش هم داشته باشد در سال باید این منافع را نگهدارد در یکمدتی که محل احتیاج است و در بک فصل معین بفروش برساند پس سرمایه در سال بکمرتبه بیشتر کردش نمی کند و بک همچو سرمایه بک چنین منفعتی برایش زیاد نیست بک چنین مال التجاره صدی بیست از برایش خیلی کم است بطوریکه آقای رئیس محترم کل صناعت فرمودند که این منفعتی است که از برای صاحب امتیاز در نظر گرفته شده است و صاحب امتیاز قبول کرده است و بعقیده بنده خوب منفعتی است که باو داده شده است یعنی این از برای صاحب امتیاز چندان منفعت است بلکه از برای مردم و مصرف کننده فایده دارد والا برای صاحب امتیاز منفعتی نخواهد داشت

رئیس - آقای افسر - در این قسمت در سال ماده موافقت فقط بک سؤال درم کرد برای آقای کازرونی توضیحات آقای طهرانی کافی است که عرضی ندارم والا توضیح بدهم در این قسمت که نوشته شده است صدی بیست عایدی دارد سهم صدی پنج دولت از کدام یکی خرج میشود از صل خارج میشود و صدی بیست عاید صاحب امتیاز میگردد و منفعت او میشود بک خیر از صدی بیست هم صدی پنج دولت داده میشود این را توضیح بدهند

مخبر - صدی پنج هم جزو مخارج است پس او باید صدی بیست باین برین بفروشد و صدی ده مال دولت است

رئیس - آقای دکتر طاهری - اولاً این عریضی را که بنده میکنم موافق باین لایحه ولی برای اصلاح و بعضی توضیحات است که عرض میکنم در این ماده چهار بنظر بنده تفاوتی که مابین قیمت ذغال برای دولت و مردم معین شده است این بک فلسفه ندارد که دولت ذغال را ارزان تر بخرد و مردم ذغال را گران تر بخرند در صورتیکه دولت صدی

پنج از عواید را بگیرد موجبی ندارد که او ذغال را ارزان تر بخرد بهرحال باباید که هر دو صدی ده باشد یا با هر دو صدی بیست علت اینکه دولت ذغال را ارزانتر بخرد و مردم گران چيست خوبست توضیح بفرمایند

مخبر - عرض کنم این هم مثل بک حقی است همانطور که دولت در امتیاز صدی پنج حق میگردد البته این هم بک حقی است که از برای خودش در دادن این امتیاز منظور میدارد مثل همان صدی پنج و چون موافقت حاصل شده است و دولت هم از ده بیشتر نکرد و در واقع این بک اقل منافع است که برای او منظور شده و این بک حقی است که برای دولت قبول کرده است و در امتیاز دولت با او شرط کرده است و مثل همان موضوع صدی پنج است که بک همچو حقی هم علاوه بر آن حق از برای خودش گرفته است و این البته بمنفعت دولت است و باید موافقت بفرمائید بضرر مردم هم نیست

رئیس ماده پنجم قرائت میشود
ماده ۵ - سایر شرایط این امتیاز مطابق مواد ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۴ - ۱۵ - و ۱۶ قانون مهرماه ۱۳۰۹ راجع بامتیاز ذغال سنگ اطراف شهر مشهد خواهد بود

رئیس - باید رأی بگیریم عده هم کافی نیست
آقای احتشامزاده -
احتشامزاده - ماده که خیلی محل احتیاج است آن مبدأ تاریخ است و در اینجا ذکر نشده و بنده عقیده ام است که باید ذکر شود و مبدأ تاریخ را در امتیاز معین کنند و در این لایحه بطور کلی نوشته شده است و ابتدای مدت را معین نکرده است مبدأ تاریخ را معین نکرده است

مخبر - اینهم در همان قسمت مواد امتیاز ذغال سنگ مشهد اشاره شده است بان و تأمین گردیده لیکن از تاریخ امضاء مقاوله نامه بین دولت و صاحب امتیاز در یکی از این مواد هست چنانچه نوشته شده که



مواد دو و سه و چهار و پنج یکی از موادی است که امضای قرارداد را معین کرده است و ماده اش را هم عرض میکنم که ماده ۲ قانون امتیاز مشهد است.

رئیس - آقایان! بگویم که با ورود در شور دوم این قانون موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

۴ - شور دوم لایحه اصلاح قانون انحصار تریاک
رئیس - شور دوم لایحه اصلاح قانون تریاک لایحه مفصل است و توزیع شده ماده اول قرائت می شود: ماده اول - کلیه ایالات و ولایاتی که تا کون زراعت تریاک داشته اند منتهی بساحتی که در سنوات اخیر میکاشته اند در هر سال سه ماه قبل از شروع بزراع تریاک از طرف وزارت مالیه اجازه زرع داده می شود.

رئیس - آقای دیبا
طباطبائی دیبا - البته نظر دولت از تقدیم این لایحه تقلیل زراعت تریاک است و بنده هم کمال موافقت را دارم که این سه مهک روز بروز کم شود ولی بدیهی است یک قانونی که تقدیم مجلس می شود راجع به تحدید کشت تریاک و اتمال آن باید تربیتی باشد که برای مردم اسباب زحمت نشود این ماده اول یک تربیتی نوشته شده است که ممکن است برای مردم نوعاً زحمت تولید شود نوشته است:

(بکلیه ایالات و ولایاتی که تا کون زراعت تریاک داشته اند منتهی بساحتی که در سنوات اخیر میکاشته اند در هر سال سه ماه قبل از شروع به زرع تریاک از طرف وزارت مالیه اجازه زرع داده می شود) این معلوم نیست یعنی ظاهر این عبارت این است که معهود بوده است در یک محل هایی زراعت تریاک ولی یک محل هایی هم هست که دو سال سه سال پیش از این مثلاً زراعت تریاک شده است عبارت یک قدری مجمل است ممکن است بعد یک قدری اسباب زحمت شود برای اشخاصی که دو سال قبل یک سال پیش از این شروع کرده اند حتی بعضی محل هایی هست که یکسال قبل زراعت تریاک داشته اند تکلیف آنها چیست؟ ممکن است این ماده اصلاً شامل این قبیل اشخاص که یکسال پیش دو سال پیش زراعت کرده اند نشود یکی هم راجع به

تبصره است. این باغات شخصی معلوم نیست که مقصود از باغات شخصی چیست؟ باغات شخصی در مقابل باغات دولتی است؟ البته این که مقصود نیست پس باغات شخصی مقصود چیست؟ در اینجا مقصود معلوم نیست در یک محل هایی باغانی هست که اطلاق لفظ باغ به آن می شود یک جای محصوری باشد که اشجاری داشته باشد او را باغ میگویند اگر خالی است که محصور نیست و اسو اشجاری باشد باغ نمیگویند و این ممکن است در مقام عمل فردا ماه و درین ماه بعد از تصویب این قانون یک اشخاصی در یک باغانی که محصور نیست و معهود هم بوده زراعت تریاک و ایند بگویند اینجا باغ است و با اینکه معهود هم بوده است زراعت تریاک در آنجا آنوقت او را ممنوع کنند عقیده بنده این است یک توضیحی در مجلس داده شود که مقصود از باغات شخصی چیست وجه قسم باغانی ممنوع است وجه باغانی ممنوع نیست عقیده ام این است که باغات شخصی که در حکم خانه ها است باید ممنوع باشد ولی یک باغانی که معهود بوده است و در حکم خانه های شخصی نیست منتهی محصور است و چند تا درخت دارد یا محصور هم نیست باز درخت دارد آن را نباید ممنوع داشت بعقیده بنده.

وزیر مالیه - قبل از این که جواب آقا را عرض کنم عرض میکنم که اولاً لایحه خیلی مدت مدیدی مانده است پنجمه شش ماه است و نهایت احتیاج بهش است و هر روز اسباب اشکال است و تربیاتی انحصار کما ینھی اجرا نمی شود و هر تربیتی هست خواهم مخصوصاً شما که توجیهی فرمایند که این تسماء شود اغلب ملاحظاتی که تصور می رفت در کمیسیون ملاحظه شده و تصور نمیکنم که شاید اشکالی هم باشد که در کمیسیون حل نشده باشد اولاً بعضی ها را بکلی آقایان حذف کردند ما هم موافق کردیم آنها را که خیلی اشکال داشت ما آنها را حذف کردیم ولی این ماده اول هیچ نوع زحمتی را تولید نمی کند این عین همان مطالبی است که از قدیم بوده مگر اینکه کسی عقیده داشته باشد که آنجا هایی هم که تریاک کاری بوده آنجاها را هم بخواهند شروع کنند و

تریاک بکارند باید صریح عرض بکنم که البته ما مخالف هستیم حالا از تمام موانع و اشکالات دیگرش صرف نظر می کنیم همین الآن این تریاک که در مملکت ایران کاشته میشود این بقدر کافی در رو ندارد این زیاد کردن یک چیزی همین برای گندم و جو پارسال و پارسال سال چقدر در زحمت بودیم اگر بنا باشد که گندم و جو در تمام مملکت دوبرابر اینکه هست مثل سالهای قبل عمل بیاید اسباب بدبختی است هم زیادی وهم کمی. این را عرض کردم چندین موانع متعدده و اسباب دیگری است که نباید زراعت تریاک را وسعت داد و باید در آتیه بتدریج محدود کرد. حالا که اینجا در محدود کردن صحبت نیست حالا از این میگذریم اگر کسی در زنجان یا در تبریز یا در مراغه یک باغی را شروع کرده بود از پارسال بکار در آنجا که خوب آنرا جلو گیری نکنیم خوب اصلاً نکارد شما می فرمایید حالا که در سال است یک سال است شروع کرده این غیر از این است که در اصفهان اصلاً حکم گندم را پیدا کرده سی سال است که میکارند حالا بعضیها بخواهند مثل چایکاری آزمایش بکنند و یک جریب دو جریب را خواستند ببینند این طور عمل می آید این را البته نباید بکارند اما در آن ولایتی که می فرماید مساحت تریاک کاری چطور بدست می آید از این بابت خاطر آقا کاملاً مطمئن باشد که بقدر یک گره هم باشد مرتب و منظم احصائیه دارد و ولایتی نه تنها جریبش و ذرع مریش احصائیه مرتب و منظمی دارد میدانند چه اندازه کاشته میشود بهمان اندازه هم به آن شخص اجازه داده می شود منتهی باید این اشخاص مزاحم هم دیگر نشوند این فکرها هم در کمیسیون همه اش شده است اما مسئله باغات شخصی که متوجه شدیم که آقای افسر هم در نظر داشتند یا آقای امیر تمبور این را بنده نمی دانم و گمان میکنم هیچ اختلافی در منظور ما نباشد و نمیدانم بچه عبارتی بگویم اگر مزرعه اش است که تریاک میکاشته است ما حرفی نداریم اگر ما باغات شخصی که می گوئیم در آذربایجان هم داریم خیلی اشخاص در شمران هم باغ دارند تویش اطاق نیست باغ دارند برای اشجارش است باغ عبارت است از مقدار زیادی اشجار و غیره دیگر اگر طمع بکنند

و ببینند تریاک یک چیزی شده است که قاچاقش خیلی اسباب رغبت و طمع می شود چون ما توجیهان باین است که نمی خواهیم مقش در خانه مردم یا توی باغ مردم که در دارد برود مزرعه اگر دیوار دارد یا دیوار کوتاه دارد و اگر دیوار بلند دارد می روند تویش خوب مزرعه است اما باغ شخصی که اسمش باغ است و در دارد دیگر نباید برود و شروع بکاشتن نباید اینجا باغ است همان معنی باغ را می فهمیم. آقا فرمودند در یک ولایتی این باغ معنی دیگری دارد و همان مزرعه را هم باغ می گویند آن نیست هر قدرتی که میخواهد خانه مسکونی باغ شخصی باغانی که غیر از خانه است غیر از خانه آدم باغ هم دارد. اهل طهران هم دارند الآن بنده در شمران باغهایی را میدانم که اصلاً اطاق هم تویش نیست اگر این عبارت کافی نیست بنظر آقایان یک عبارت دیگری فرمایند که منظور ما و منظور خودتان حاصل شود بنده حرفی ندارم.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - عرض کنم ماده اول لایحه یا اینکه دقت هم شده است که خوب تهیه شود باز بنظر بنده طوری نیست که رفع اشکال را برای زارعین کرده باشد برای اینکه ما خودمان در عمل هستیم و معاملات ما مورین مالیه را با مالکین و زارعین مشامده میکنیم البته قانون یک صورت خوبی دارد ولی وقتی بدست یکنفر امین مالیه دوردست افتاد آنوقت خیلی بد اجرا میشود و یک مشکلاتی تولید میکند. اینجا در ماده اول ذکر شده است که سه ماه قبل از فصل تریاک اجازه زرع داده میشود. این اجازه زرع بچه کیفیت داده میشود. این یک کلمه مبهمی است مثلاً در یک بلوکی در اصفهان یا در کرمان هست که بیست فرسخ است تا مرکزی که امین مالیه یا نماینده مالیه آنجا هست. این زارعی که در بیست فرسخی آنجا میخواهد زراعت تریاک بکند او بچه وسیله مطلع میشود که مجاز است یا ممنوع است. این اجازه را وزارت مالیه بچه وسیله باو ابلاغ میکند این کلمه مبهمی است اگر مقصود ما این باشد که اصلاً زراعت ترک

حقیقه از بین برود و بکلی موقوف شود بنظر بنده این ماده خیلی خوب تأمین میکند این منظور را ولی چون این منظور را نداریم و دولت موافق نیست و آمده است منحصر کرده است زرع تریاک را يك قاط معینی حالا که يك قاط معینی زرع تریاک را انحصار داده بنظر بنده ما باید در این ماده قید کنیم که وزارت مالیه قاطی که مجاز میداند برای زرع تریاک بوسیله ادارات مالیه به آن بلوک ابلاغ کند و دیگر محتاج نیست که آن زارع بپایند اجازه زرع بگیرد بالاخره زارعی که در پست فرسخی نشسته است از هیچ جا اطلاع ندارد و یک نفر آدم باسواد شاید در آن ده پیدا نمی شود از کجا می تواند که بپایند اظهارنامه بدهد و اجازه بگیرد و آن تشریفات را بعمل بیاورد که ما در قانون در نظر میگیریم قانون را باید با افکار مردم اساساً وضع کرد. عرض کردم اگر آقای وزیر مالیه مایل نباشد و اصلاً صلاح نداند که زراعت تریاک اصلاً در مملکت باشد برای اینکه سیاست مملکتی اجازه نمی دهد این يك موضوعی است لایحه بردارند و بیاورند و الا این در عمل تولید مشکلات میکند و غیر عملی است ممکن نیست پیشرفت کند برای اینکه ما میدانیم انمای مالیه و تحصیلدارها که حالا الحمدلله موقوف شده اند در اثر حسن توجه آقای وزیر مالیه اینها يك اشخاصی هستند که بی يك اشکالاتی میگردند فردا میگویند که تو نیامدی صورت بدهی اطلاع بدهی زراعت تریاک هم کرده ای و مطابق این قانون و ماده که در این لایحه هست قاچاق شناخته می شوی و آن بیچاره دچار اشکال می شود بقیه بنده اولاً در ماده اول باید طوری کرد که در عمل قابل اجرا باشد و بنظر بنده جز اینکه ما در این ماده قید کنیم که ما بایالات و ولایاتی که تاکنون زراعت تریاک داشته اند وزارت مالیه سه ماه قبل از زرع تریاک باهالی بلوک ابلاغ کند راه دیگری نیست و آنها مجاز هستند و غیر از آنها مجاز نیستند يك اجازه کتبی بطور کلی داده شود این نظر بنده است در ماده اول و در ماده هفت و هشت این لایحه هم بنده ایراد و اعتراضی دارم و در شور قبلی هم عرض کردم و در این شور هم در موقع خودش عرض می کنم.

وزیر مالیه - اول هم عرض کردم مکرر صحبت شده

است هر وقت ما ملتفت بشویم که واقماً يك اشکال مهمی است برای اصلاح آن حاضر هستیم و در این لایحه بخصوص هم درست از اول تا آخر مطالعه شده است و بحث شده است باز هم بحث و صحبت می کنیم ولی بعضی صحبت ها مبنی بر اصل تفاهم و تفهم است. عرض کنم که در کمیسیون هم مذاکره شده است در مجلس هم خیلی مذاکره شده و عرض کنم که بطور کلی منظور یکی است وقتی هم که منظور یکی شد هر عبارتی را که می خواهید بگذارید بنده قبول می کنم می خواهید بفرمائید امین مالیه شاید نخواهد اجازه بدهد این راهم بنویسند مکلف است بدهد این هم در ماده سوم هست وقتی شما اعلام می کنید که در فلان جا در گلبایگان یا در فلان ولایت فلان قدر مساحت زرع شود آنوقت چطور بدون جواز می توانید فردا نظارت کنید؟ هر کس زرع کرد بعد سال آتیه می بیند مساحت دو برابر شده است آنوقت جریمه میگیرید؟ اینکه نمی شود غیر از اینکه بپایند و جواز به آنها بدهند و آنها اجازه بگیرند آنها را که سابقاً می کاشته اند حتماً باید اجازه بگیرند یعنی بمالك اجازه بدهند ملكی که سابقاً در آن کاشته می شده در ماده سوم هم ملاحظه بفرمائید هست اگر عبارت راهم می خواهید بفرمائید بفرمائید که حتماً امین مالیه مجبور باشد که اجازه بدهد اما اگر اجازه نباشد و اظهارنامه باشد از کجا میداند که مساحت زرع امسال چقدر است که برای فلان مساحت بدهد ولی اینها جمع می کنند اجازه ها را وقتی که از مساحت مقرر گذشت دیگر اجازه نمیدهد. ما اینجا نوشته ایم و شرط شده است که جواز های زرع از طرف ادارات مربوطه به آنها می که سابقاً می کاشته اند در درجه اول داده شود و آنها مقدم باشند اگر آنها نیامدند و تا اواخر مدت زمینی خالی ماند میتواند بکس دیگری که تازه می خواهد زرع کند بدهند و الا به آنها می که سابقاً می کاشته اند باید حق تقدم بدهد پس در این جا هیچ اشکالی بنظر بنده وارد نیست (عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است عده دیگر - کافی نیست)

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اولاً عرض بنده راجع بعدم کفایت مذاکرات است. لویجی که آقای وزیر مالیه می آورند همیشه منبج

بريك اصلاحاتی است که اصطلاحهای مأمورین مالیه و مردم را کمتر می کند و نصفیه می کند اشکالاتی را که موجود است در این قسمت لایحه تریاک هم چونکه این مسئله خیلی مهمی است که بانمام ملاکین و زارعین و یکی از صادرات مهم مملکتی اصطکاک دارد مقتضی این است که اجازه داده شود يك مذاکرانی که لازم است در این لایحه بشود زیرا که اگر ملاحظه بفرمائید تاکنون چندین دفعه این قانون عوض شده است. این برای چیست؟ برای این است که معایبی که هست گفته نمی شود و در موقع عمل باز مجبور میشوند که قانون را اصلاح کنند و يك وقت دیگری را میگیرند پس بهتر این است که از تجربه هایی که شده است و خواسته اند قانون را اصلاح کنند نتیجه بگیرند و اجازه بدهند که عرایضی که هست گفته شود مذاکرانی که هست گفته شود که با در نظر گرفتن این اشکالاتی که هست رفع آنها را در نظر بگیرند و لایحه را تنظیم کنند (صحیح است) حالا اگر اجازه داده می شود بنده عرایضی که دارم بعرض برسانم. عده از نمایندگان - بفرمائید آقا. بفرمائید.

رئیس - عده برای مذاکره هم کافی نیست رأی هم باید بگیریم بکفایت مذاکرات قدری تأمل بفرمائید. (پس از دو دقیقه عده برای رأی کافی شد)

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست.

افسر - صحیح است هنوز مذاکره نشده است که کافی شده باشد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در شور اول این قانون يك عرایضی عرض کردم که نسبتاً لایحه را کمیسیون يك تغییراتی درش داده است اما کاملاً نظر بنده تأمین نشده بعلمت اینکه غرض دولت از این لایحه آنچه بنده می فهمم تحدید زراعت تریاک است و محدود کردن این زراعت است. بنده يك عرایضی در شور اول عرض کردم که يك

دو فقره سوء تفاهم در اطراف آن شد یکی اینکه عرض کردم که از اینها سالی پنجاه کروار از تریاک یعنی از زراعت تریاک استفاده می برند و انتفاع می برند گویا آقای فاطمی توجهی فرمودند بعیاض بنده و بخیالشان که می گویم از صادرات این بود که بعد خدمتشان کتباً عرض کردم که خیر کلنل ماك کرماک کتابی نوشته است الا آن هم این جا بنده همراه آورده ام و او ثابت کرده است بحساب عدد و رقم که ایرانها از زارع از مالک از تریاک مال از رعیت از ناجر تا وقتی که حمل می شود تریاک روی هم رفته بلکه اگر دستهایی هم که پیش تجار دادوستد می شود آنها را هم حساب کنید پیش از سی میلیون عایدات ملت ایران از زراعت تریاک. این يك موضوع عرض بنده بود و البته بنده هم موافقم که يك حدی در مقابل تریاک که آنرا ما عمل می کردیم و زراعت می کردیم قائل شد و اگر می شد این را بر میداشتیم چیز دیگری را جایش می گذاشتیم این خیلی خوب بود لکن عجالتاً می بینم چیز دیگری هم که نداریم و صادرات ما هم بزرگش این است این راهم داریم يك ترتیبی برایش فراهم می کنیم که اصلاً زراعت نشود جایش هم که چیزی نداریم تحمیل آتش هم که زیاد است پس من نمی دانم از کجا باید جمع و خرج این مملکت را این مرهم بدهند و این مملکت اداره شود؟ يك موضوع دیگر هم این است که همانوقت در شور اول خاطر من هست که آقای دکتر مالک زاده همچو تصور کرده بودند که بنده گفته ام که تریاک را باید خیلی زراعت کرد بعد فرمودند که باید جدیت کرد و نوع پرستی کرد و این هم مهلك را باید از دنیا برداشت البته خود ایشان بهتر می دانند که تریاک مواد زیادی دارد که بیشتر در دواخانه ها بمصارف طبی می رسد و مصرف می شود و البته ایشان خودشان بهتر از بنده قضیه را مسبقاً خلا نمی شود بطور کلی گفت چون در يك راههای دیگری و در يك مواقع بدی در موارد غیر مناسبی استعمال می شود کلیتاً جلوگیری شود. البته تریاک مصرف طبی زیاد دارد در دنیا و در تمام دواخانه ها و مطبها و مریضخانه ها استعمال و عمل می شود و از این جهت نمیشود گفت که محصول تریاک نوعش بد است و بر فرض این که

بگوئیم نوعش هم بد است و بطور کلی باید این اسم را ما برداریم بسیار خوب لیکن این در صورتی هست که چیز دیگری داشته باشیم جای آن بگذاریم ولی اگر برداریم و چیزی جایش نگذاریم که نمی شود. باین ترتیبی که این لایحه تنظیم شده است خاصه ماده اول طوری تنظیم شده است که در عمل چون عمل غیر از صحت کردن در این جا است مثلاً فرض بفرمائید که وزارت مالیه معین می کند که در فلان بلوک و فلان محل ایقدر اراضی باید زراعت تریاک شود البته این را جزئیاتش را که نمی تواند معین کند خوب این کار می افتد دست کی؟ در آن جا البته آقای وزیر مالیه که طرف اطمینان همه هستند و البته نظریاتشان هم قابل تقدیس و تصدیق است که تشریف ندارند بلکه می خواهم عرض کنم امین مالیه هم نیست یک شعبه ایست در آن جا و یک نفر نشسته است و یک اختیاری هم دست این آدم آمده است که باید پنج هزار جریب زمین در این بلوک کشت بشود و مالکین هم باید بروند از او اجازه بگیرند مأمورین راهم ما می شناسیم معلوم است بهر کس که دلش می خواهد جواز میدهد بهر کس دلش نمی خواهد نمی دهد و این یک اشکال است و استدعا می کنم رجوع بفرمایند این عریضی که بنده میکنم از روی تجربه و عمل است رجوع بفرمائید بدقت محاکمات اداری مالیه بهینید چقدر از این اشخاص میحاکمه شده اند؟ در ظرف ۵ سال ۱۲۰۰ نفر خود بنده در محاکمات مالیه بودم از همین اشخاص میحاکمه شدند که همینطور تبعیضات و همینطور کارها با مردم کرده اند و حالا هم عرض میکنم باز همان اشخاص هستند عوض که نشده اند یک مأموری است که در محل رفته است و سی تومان چهل تومان حقوقش است می گوید در این بلوک بطور کلی باید هزار جریب دو هزار جریب زراعت تریاک بشود دیگر نمی گوید که مثلاً بنده که رفتم جواز خواستم این بابنده مساعدت اجازه پانصد جریب میدهد با آن آقا فرض کنید مساعدت نیست جواز باو نمیدهد و این یک اشکال بزرگی در کار تولید می کند و باید قانون را آقا یک طوری نوشت که بتواند اسباب سوء استفاده مأمورین واقع بشود (صحیح است) این یک موضوع

در قسمت جواز که فرمودند باید به آن اشخاصی که سابقاً داده می شد داده شود همانطور که فرمودید در ماده هم هست تا تبعیضی در کار پیش نیاید این جا در ماده سوم هست و معین کرده است می نویسد (وزارت مالیه مکلف است صورت تقسیم مساحت مقرر در ماده یک را تا آخر امرداد هر سنه بوسیله ادارات انحصار تریاک ایالات و ولایات باطلاع عامه برساند و نیز مراقبت نماید که جوازهای زرع از طرف ادارات مربوطه در درجه اول بزراعین محلهائی که سابقاً زراعت تریاک داشته اند داده شود) این جاما این قید را مخصوصاً کردیم که حق تقدم برای آنهاست که این زراعت را داشته اند و البته در درجه اول به آنها باید اجازه داده شود و بعد در قسمت ثانی همانطور که آقای وزیر مالیه هم اظهار فرمودند اگر آنهاست که می کاشته اند اجازه نخواهند و یک قسمتی خالی ماند یک اشخاصی که جدیداً می خواهند بکارند بدهند. پس این در ماده نوشته شده است حالا اگر آقایان دقت بفرمایند در این ماده می شود عبارت بهتری نوشت که این مقصود را برساند ما هم موافقیم ولی اگر این عبارت بهتر است بهمین قاعته بفرمایند چون بعقیده بنده آن منظوری که آقا فرمودند در این جا تأمین شده است. اما در قسمت مأمورین البته این یک قسمتی است که ممکن است بطور کلی یک اختلافاتی پیش بیاید و جلوگیری هائی هم البته می شود ولی صریح عبارت ماده بنظر بنده این نظر را می رساند در قسمت باغات هم که فرمودید این جا نظری که اظهار فرمودید آقای وزیر مالیه هم که فرمودند مقصود از باغات باغات و خانه های تفریحی است باغهایی که تفریحی هست و در واقع حکم خانه های اشخاص را دارد. (میر تیمور - آقا رعیت که باغ تفریحی ندارد) قدری تأمل بفرمائید. بعد ملاحظه بفرمائید یک باغاتی هست که حکم خانه را دارد و باغ گردش و تفریح است مثلاً امروز فلان شخص یک خانه در طهران دارد یک باغ تفریحی هم در خارج شهر دارد و باغی است که حکم خانه را دارد پس نظر این است که آن خانه ها و باغاتی که تفریحی است و در حکم خانه است در آن جاها نکارند برای اینکه مأمورین دخالت نداشته باشند زیرا اصل تفتیش آن ها ممکن نیست و خیلی

مشکل است ولی در دهات و در قسمت بلوک البته یک جاهائی دارد که دیوار دورش است ولی باغ نیست و قطعه زمینی است مزروعی یا خالی باغ که آقای مؤید فرمودند که در دهات هست و باغ تفریحی نیست و در آن جاها یعنی در جاهائی که محل زراعت بوده است و زراعت می شده است باز هم این اجازه داده می شود و ممکن است اگر باز این قسمت را یک ترتیبی بترتیب دیگری عبارت را بهتر می توان نوشت که این منظور و این مفهوم را تأمین نمایند ما هم موافقیم والا نظر همان نظری است که آقایان هم دارند. (صحیح است)

رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - هر کس مسائلی را از یک نقطه نظری مورد بحث و مطالعه قرار می دهد. همانطور که آقای وزیر مالیه این لایحه را از نقطه نظر تعدیل بودجه و عوائد مملکت در نظر گرفته اند و بعضی از آقایان هم از نقطه نظر زراعت تریاک و ملک و ملاکی صحبت کردند بنده هم خودم را موظف میدانم که از نقطه نظر صحیح عقاید خودم را در اطراف این لایحه عرض کنم - در وقتی که شور اول این لایحه بود بنده مطالبی عرض کردم که آقای مؤید احمدی هم اشاره کردند و یقین دارم و امیدوارم که تمام مجلس شورای ملی و دولت هم با نظریه بنده که عبارت از کم کردن محصول تریاک و بالاخره خاتمه دادن باستعمال این سم باشد موافقت بفرمایند بر بنده حقیقتاً بطور قطع و مسلم ثابت شده است که دو چیز موجب ضرر و سلب انحطاط مادی و معنوی مملکت شده است و بعقیده بنده دولت و مجلس موظف است که حتی الامکان از این دو چیز جلوگیری کند. یکی مرض مالاریا است و یکی استعمال تریاک. استعمال تریاک هم از هر نقطه نظر در مملکت مضر است هم از نقطه نظر اقتصادی مضر است هم از نقطه نظر صحیح مضر است و بالاخره از جهات دیگر هم هیچ راهی که تقعی درش باشد برای مملکت در استعمال تریاک وجود ندارد جز ضرر. در مذاکراتی که در شور اول و هم در این جلسه شد بعضی از آقایان بیانات خودشان را بمنافعی که مات از کاشتن تریاک می برد تکیه دادند که در سال چندین کرور از این راه عاید مملکت

می شود بنده يك جمله خیلی مختصری می خواستم عرض کنم که امروزه در دنیا ثابت شده است که سرمایه اقتصادیات عبارت از کار است و چیزیکه مولد ثروت است در دنیا کار است و هیچ چیز نیست مگر کار کار تولید ثروت میکند و تریاک دشمن کار است. و بهمین دلیل هر قدر که ما از کاشتن تریاک استفاده کنیم از ضرری که از این راه تریاک با اقتصادیات مملکت وارد می آورد یعنی دشمن کار است و دشمن سعی و عمل است از این نقطه نظر بعقیده من ضرر بمملکت وارد می شود. از نقطه نظر سحی هم بعقیده بنده بقدری مطالب روشن است که هر قدر بخواهم در این جا عرض کنم وقت تلف کردن است. نکته دیگر هم که بنده خود را مکلف میدانم متذکر شوم این است که حقیقتاً باید دولت موظف باشد که از هر پیش آمدی هر اصولی که اسباب اختلال و صدمه باخلاق عمومی وارد بیاورد جلوگیری کند و یکی از مسائلی که سبب فساد اخلاق عمومی شده است عبارت از این قانون قاچاق تریاک است. الان روزنامهها مراجعه کنید می بینید روزی نیست که چندین صفحه پر نشده باشد از اشخاصی که تریاک قاچاق کرده اند و اینها را برده اند و جریمه و مجازات کرده اند و بالاخره يك اشخاصی روی این کار دزد شده اند و چه خانواده هایی در روی این موضوع فنا شده اند بالاخره صدمات اخلاقی و صدمات معنوی این قانون نسبت بافراد این مملکت فوق العاده زیاد است و بعقیده بنده دولت موظف است که از این راه جلوگیری کند بنده اولاً امیدوارم و آرزو مندم که تریاک در این مملکت دیگر کاشته نشود و استعمال نشود تریاک در داخله (امیر تیمور و مسعود تاجی - می میرند آقا. صد هزار نفر می میرند) حتی در خارجه ولی مطالب را باید تاحدی گفت که يك جائی برسد و فایده داشته باشد و حقیقتاً يك جنبه عمل بخودش بگیرد امروزه منافعی که دولت ایران از تریاک می برد یکی از پایه های مهم بودجه مملکت ما را تشکیل میدهد و البته تریاک عواید جدیدی پیدا نشود نمی تواند دولت از این منفعت و عایدی صرف نظر کند ولی بعقیده بنده اگر از قسمت تجارت خارجی آن نمی تواند صرف نظر کند دولت راجع باستعمال تریاک در داخله اگر حالا

هم ممکن نیست اساساً موضوع را دولت و وزارت مالیه مورد توجه و مطالعه قرار بدهند که اگر ممکن است استعمال تریاک در داخله ممنوع شود و بعقیده بنده و اطلاعی که بنده دارم و همه میدانند این است که ترك تریاک مستلزم هیچگونه خطری نیست هیچ مخاطره در ترك تریاک نیست چون این جا شنیدم که گفته شد چندین صد هزار نفر اشخاصی که مبتلی هستند ناف می شوند عرض میکنم خیر هیچ خطری در ترك تریاک نیست و بتدریج می شود ترك كرد بدون اینکه صدمه بهشان برسد این است که دولت اگر يك راهی فکر کند که تریاک ترك بشود خیلی فایده دارد و دولت خیلی خوب است که این راه را «ترك تریاک» ایجاد بکند اگر این قسمت راهم موفق نمی شوند عجبلاً بعقیده بنده این راه را دولت ایجاد کند از برای این که مفاسدی که فساد اخلاقی که راجع بقاچاق تریاک مترتب می شود این مفاسد از بین برود عوض این که باندول تریاک میکشند نسبت باشخاصی که تریاک استعمال می کنند و معتاد هستند جواز داده شود مثل این که در بسیاری از نقاط دنیا در موقع جنگ بین المللی بسیاری از چیزهایی که مورد استعمال عمومی و جمعی بوده است جواز میداده دولت در این کار هم مطالعه بکند و باشخاصی که معتاد باستعمال تریاک هستند جواز بهشان داده شود و این قضیه باندول داشتن تریاک باین صورت که موجب اینهمه بدبختی و گرفتاری و صدمات عمومی شده است از میان برود این است نظر بنده.

رئیس - آقای بروجردی مخالفید؟

بروجردی - خیر يك مطالبی است که می خواستم عرض کنم.

رئیس - بفرمائید

بروجردی - عرض کنم همانطور که در لایحه نوشته شده که وزارت مالیه اجازه می دهد بزارعین تریاک چون قبلاً هم خود آقای وزیر مالیه فرمودند مساحت تریاک کاری در تمام حدود تریاک کاری در مملکت معین است و معلوم و مطابق همان چیزی که مساحتش معین است در هر نقطه تریاک کاری بهمان اندازه اجازه بدهند که کاشته شود. این بسیار خوب است اما ملاحظه بفرمائید الان يك زارعی

از محال هشت فرسخی ده فرسخی. باید سه ماه قبل از زراعت تریاک بیاید بشهر مجاورش و جواز بگیرد این مستلزم چه زحمتی است و تا بیاید شهر و برگردد چقدر باید طول بکشد و معطل شود؟ تا آخر دستش برسد باداره مالیه محل و جواز مطالبه کند و تقاضا بدهد و تا تحصیل جواز کتبی مدتها طول می کشد و زحمت دارد الان حضرت مستطاب عالی درست ملاحظه بفرمائید اگر همه جا طهران بود و مجلس بود و آقای وزیر مالیه تشریف می داشتند هیچ اشکال نداشت ولی در هشت فرسخی و ده فرسخی چند نفر رعیت تریاک کاری خواهد بیاید بشهر و تحصیل اجازه کند بعد جواز کتبی بگیرد و برود سر کارش این مستلزم چقدر محظور و اشکال است؟ و بعد هم اینطور نیست که هر قانونی که این جا می گذرد همینطور هم بهش عمل بشود شاید حضور آقایان عرض کرده باشم در قانون تمیزی مسلم است که بهیچ عنوانی از اراضی نباید مالیات آب بگیرند بروجرد باینکه اراضیش جدیداً تمیزی شده است از هر جریب زمینی هفت من گندم وجود و هفت قران پول می گیرند معذلت آبش را آمده اند و گذاشته اند در مزایده و ۲۴۰۰ تومان امسال پول آب مزایده از مردم میگیرند هر مالکی مالیات جریبانش را میدهد از آن طرف هم آمده اند و میگویند برای هر جریبی بی دو قران سه قران پول آب بده سه هفته دو هفته است که بنده از جناب عالی وقت خواستم که نظم بروجردها را برضتان برسانم بفرمائید وقت نیست خوب بنده که در طهران هستم و دستم بزرگار نمی رسد آن زارع بروجردی بچاره دستش بکجا برسد و از کمی و چنطور اجازه بگیرد و چه خاکی بر سرش بکند؟ بعد هم بعقیده بنده موضوع باغاتی را که بفرمائید مشکل است. در تمام شهرها متعارف است که يك باغات مفصلی هست که اینها هم اشجار دارد و هم مو دارد و هم محل زراعت تریاک و گندم و جو است و شخصی هم هست آن باغ هم مال اشخاص است آقایانی که از بروجرد عبور فرموده اند مشاهده فرموده اند که وضع باغات بروجرد شخصی است و هر کدام سی جریب چهل جریب باغات است یکمقدار مفصلی از اینها معین است

برای اشجار مو و درخت میوه و غیر از اینها است يك مقداری هم برای زراعت تریاک است آفرام خوبست آقای وزیر مالیه يك طوری خودش اصلاح بفرمایند که شامل حال آنها هم بشود که اسباب زحمت مردم نشود بعدها و بتواند زراعتشان را بکنند و باسم باغ ازشان جلوگیری نشود.

وزیر مالیه - بنده بار می خواهم تکرار کنم عرضم را که هر چه گوش کردم آقایان هر چه فرمودند بنده نهایت توجه را داشتم که به بینم يك نکته که محل اختلاف است در اطرافش بیاناتی بفرمائید و اگر عبارتی که منظور است اصلاح کنند ما حرفی نداریم در این ماده اول هم بحثی که شد خلاصه و نتیجه اش این است که اگر یکی از آقایان خواست که مساحت را توسعه بدهد و علاوه بر آنچه باید بکار بکارد بتواند و این عکس مقصود است. آقای مؤید احمدی فرمودند شاید دولت بخواهد محدود کند و نگران در این جا در این قانون که همچو چیزی نیست ما باین مساحت گفتیم داده شود آمیزیم بسرائر این نکته نکته قابل توجهی که همه اظهار فرمودند که مادا بمردم زحمتی وارد شود از حیث اجازه دادن و اینها اول هم عرض کردم خیلی از این نکات هست که در ماده سوم تأمین و اصلاح شده است ملاحظه بفرمائید. اینکه می فرمائید نماینده مالیه نیست و دوراست حالا بدبختانه در هر بلوکی نماینده معارف یا صحنه نیست و کم است ولی نماینده مالیه در هر محلی هست و يك مأمور مالیه است و هر کسی که اجازه بخواهد مطابق این ترتیبات بهش میدهد فقط يك شرط می گذارند که این حق تقدم دارد یعنی آن کسی که اول می کاشت یعنی نه آن شخص بلکه آن مالک که اول در آن کاشته می شده آن حق تقدم دارد (صحیح است) اما اگر فرض بفرمائید همینطور بطور کلی آزاد باشد این آزادی ممکن است بضرر خودشان تمام شود و ممکن است اشخاص دیگری بیایند و بکارند و آن اشخاصی که از اول می کاشته اند نکارند حالا قرار تکمیل این منظور و مقصود را ممکن است خودشان بدهید مقصود این بود که بنده عرض کردم حالا اگر عبارتی بخواهید علاوه کنید که بمجرد اینکه زارع اظهار کرد باید باو اجازه بدهند

بنده عرضی ندارم و در اصل مقصود و منظور اختلافی نیست آن مساحت را که می فرماید منتهی تا آن مساحت باید کاشته شود و در آن ولایاتی که می کاشته اند معین است و زارع آن محلی هم که در آن محل کاشته می شده حق تقدم دارد اجازه هم بخواهد داده می شود و اجازه هم برای این است که حسابش و مساحتش و احصائیه اش در دست اداره مالیه باشد و اگر يك وقتی يك شکایتی پیدا شود و يك کسی بگوید که در فلان ناحیه ما اجازه خواستیم و ندادند معلوم بشود. این را هم قبلاً باید عرض کنم که هیچ این ممکن نیست و بنده ندیده ام و همیشه قوانین در مقام اجراء مامورین و عمالی در بعضی جاها پیدا میشوند که بد اجرا میکنند و این را نمیشود گفت و نمیشود این نتیجه را ازش استنتاج کرد که چون عمال ما قوانین را مطابق منظور اجرا نمی کنند قانون نگذرانیم. این نمیشود البته قوانین وضع میشود و برای عمال هم مجازاتی هست (اگر بد اجرا کردند) (صحیح است) و البته هیئت مجلس شورای ملی و هیئت دولت مرکزی و عمل عمده ایالات و ولایات مراقب و مواظب هستند که اگر يك کسی بد اجرا کرد و مراقبت نکرد خبر بدهند و استیضاح کنند و سؤال کنند و البته او را تعقیب باید بکنند و میکنند هم ولی این دیگر از حیطه اقتدار و اختیار بنده خارج است که هر چه و هر جا خلاف کار زیاد است همه را اصلاح کنیم ولی البته خلاف کار مجازات میشود (صحیح است) اما اینکه خلاف کار چرا زیاد است باکم است آن دیگر بسته است بترقی یا تنزل اخلاق عمومی ولی بطور کلی عرض می کنم که هر جا ما مطلع میشویم فوری در صدد جلوگیری و اقدام برمی آئیم (صحیح است) و بعد هم برای آتیه بنده صریحاً عرض میکنم که اگر یکی از آقایان مطلع بشوند یا خود بنده مطلع بشوم که در فلان ناحیه يك کسی اجازه خواسته است و بيك جهت با اجازه ندادند و بد دیگری داده اند با وجودیکه آن شخص اولی سابقاً زراعت میکرده است البته آن شخص را مؤاخذه می کنیم و مجازات میکنیم ولی قانون یعنی احکام

در دو فرسخ اصلاً معمول است که درختهایشان بیش از سی سال عمر نمیکند که این درختهایی را که میکارند بعد از چند سال آنها را باید بکنند و جایش را تریاک بکارند تا برسد زمینش بجائی که بعد از چند سال بشود درخت کاشت بعلاوه این زمینها هم که دورش دیوار است که مصون است از باد و از تراحم گاو و گوسفند بنا بر این بنظر بنده اگر عبارت اینطور اصلاح شود تبصره منازل و باغهای مسکونی رفع اشکال میشود حالا اسمش هر چه میخواهد باشد چون هر چه ذکر کردیم غیر از این نمیشد اگر باغ مشجر باشد نمیشود اگر غیر مشجر باشد نمیشود چنانچه میفرمایند خشک باغ یا خالی باغ بنابراین بهتر این است که همان باغات مسکونی را قبول بفرمایند و آن اشکالی هم که راجع برفتن مأمورین بمنازل مردم میکنند این را مردم راحت میشوند و هم اسباب اشکال نمی شود و اینکه آقای دکتر ملک زاده میفرمایند اینجا يك اشتباهی میشود یکی موضوع استعمال تریاک است. یکی کاشتن تریاک اینطوریکه ایشان میفرمایند هیچکس مخالف نیست بنده هم میدانم که يك کسی اگر دو منقل تریاک بخورد میمیرد اصلاً این محتاج طبیب هم نیست محتاج بحفظ الصحه هم نیست ولی میفرمایند منافی با کار کردن است اگر آقا تصور میفرمایند که زارعین تریاک تریاک را می خواهند بکشند اینطور نیست اگر تریاک نکارند چه کنند و اینکه میفرمایند کار مولد ثروت است این را هیچکس منکر نیست ولی این مربوط به کاشتن تریاک نیست هر ملکیت باید کار خودش را بکند قالی بافی مولد ثروت است وقتی نخورند چطور مولد ثروت است البته کار مربوط با استعمال است وقتی که استعمال نکردند از کجا میکارند اگر آنقدر بکارند که عرضه بیش از تقاضا باشد همه مردم کار میکنند عرض هشت ساعت هم بیست و چهار ساعت کار میکنند بنا بر این برای کار احتیاج بشر هم لازم است و بهمین جهت است که تریاک را میگویند عمود شود و کشیده نشود چون تصور میفرمایند فروش ندارد اما راجع بکاشتن تریاک ما ابدأ

تریاک کاشتن مان برای این نیست که بخواهیم بنام اهل دنیا بخورانیم خیر مادام که دنیا برای ادویه طبی و لوازم صحتی لازم دارند از ما بخرند مادامیکه لازم ندارند نخورند ما بهیچ ملکیتی نگفته ایم که تریاک ما را بخرند و بخورند تا بخرند خیر ما هرگز همچو آرزویی نداریم آنقدریکه برای حفظ الصحه دنیا لازم است ما عرضه میکنیم هر قدر لازم دارند بخرند لازم ندارند نخورند ما کم کم آنقدر خودمان از این مذاکرات میکنیم مثل اینکه چنانکه مالک دیگر گازخفه کهنده درست کرده اند ما هم تریاک درست کرده ایم که مردم را بکشیم خیر ابدأ ما چنین قصدی را نداریم ما مردمانی هستیم صالح طلب و با عموم دنیا هم موافقیم بنا بر این باید فرق ما بین کاشتن تریاک و کشیدنش هم بگذارند.

رئیس - آقای فهیمی

فهمیمی - بنده يك توضیحاتی راجع بفرمایشاتی که بعضی از آقایان در این قانون فرمودند مجبور هستم عرض کنم زیرا معلوم میشود که مراجعه به قانون سابق انحصار نفرموده اند زیرا قانون انحصار سابق بحال خودش و تقویت خودش باقی است این قانون فعلی آن قانون را تکمیل میکند و در بعضی موارد مربوط بقاچاق يك تسهیلاتی قائل شده است در قانون سابق انحصار تریاک و فروش و غیره را انحصاراً بدولت واگذار کرده و در همانموقع چنانچه نظر آقایان باشد مذاکره شد که اگر ما بخواهیم کاملاً بانحصار تریاک موفق شویم با هر متاع دیگری باید او را اولاً ترتیبش را محسولش را محدود کنیم ولی در آن موقع بجهاتی مناسب ندیدند این مطلب را در قانون ذکر کنند و در عین حال دولت غفلت نکرد و در عرض این چند سال مشغول تهیه يك احصائیه کاملی از زراعت تریاک در ولایات و غیره بوده بطوریکه الان میدانند در هر ایالت یا ولایتی چقدر کسر شده یا اضافه شده حالا بجهاتی که غالب آقایان ذکر کردند فعلاً میخواهند محدود کنند آن زراعت را آنچه هست یعنی جلوگیری از زیاد شدنش کرده باشند و نگذارند زیادتر از آنچه هست شود حضرت والا هم توضیحات دادند

لزومی ندارد ما همینقدر که دیدیم يك قدری مشتری هست بقدری زیاد کنیم که دیگر قیمت پیدا نکنند پس اینطور که ذکر شده است برای این است که بمساحتی که تا کنون میکاشته اند باشد البته نسبت به کم کردن هم در اینجا قیدی نشده مطلب دیگری که آقایان میفرمودند این بود که زارعین قبل از وقت اطلاع داشته باشند و وزارت مالیه بانها اطلاع بدهد این مطلب در قانون سابق ذکر شده است که در هر محل قبل از شروع بزراعت تریاک سه ماه قبل از وقت باید بامیر مالیه محل اظهارنامه بدهند و شروع کنند بزراعت حالا برای مرحله جدیدی که ذکر شده است به بنییم اول دولت یعنی وزارت مالیه از روی احصائیه هائی که دارند همیشه پیش از وقت بهر ایالت ولایتی اطلاع میدهند که چند جریب شما حق دارید زراعت کنید بعد بموجب آن قانون سابق آن اشخاص هم می آیند و بهمان اندازه از مالیه محل اجازه زراعت میگیرند پس در اینجا دیگر اشکالی باقی نمی ماند که بگوئیم رارع اطلاع ندارد یا خبر دیر برسد اینها دیگر مورد پیدا نمیکند وقتی دولت معین کرد در هر ایالت و ولایتی باید بچه مساحت زراعت کنند مردم هم اطلاع داشته و آمدند اجازه گرفته اند دیگر جای اشکال و تردیدی مابین امین مالیه و غیره باقی نمی ماند در قسمتی هم که شاهزاده توضیح دادند نظر کمیسیون و نظر وزیر مالیه هم همین بود که در خانه ها و باغات شخصی نباید کاشته شود ولی البته يك اراضی هست که عنوانش باغ است ولی در آنجا ممکن است که باغ میوه باشد یا اصلاً هیچ درخت نداشته باشد اما اسمش از قدیم باغ باشد اینها هیچوقت مخالفتی نخواهد بود از طرف دولت که آن باغ را ممنوع کنند حالا باید يك عبارتی بنویسیم (یا باغ خانگی بگوئیم یا باغهایی که در حکم خانه است بگوئیم ممنوع باشد) که این مطلب را بفهماند و البته مقصود همه بعمل می آید و در اصل موضوع هیچ اختلافی نیست ولی باید يك عبارتی باشد که مطلب مفهوم شود و بعلاوه بطوریکه با آقای وزیر مالیه مذاکره کردیم چون در این ماده قید شده است که سه ماه قبل

از شروع بزراعت تریاک باید اجازه بخواهند این دو مدت باهمدیگر بقدری تباین پیدا میکنند بنا بر این يك پیشنهادی هم کردم که آن مدت سه ماهی که وزارت مالیه باید اجازه بدهد آن را تبدیل کنند به چهار ماه یا پنجاه ماه که در سه ماه قبل وزارت مالیه مقدار و مساحت را معین کرده باشد و اعلان کرده باشد بعد در ظرف سه ماه قبل از زراعت تریاک هم مردم حق داشته باشند که بیابند اظهار نامه بدهند و جواز بگیرند و کان میکنم باین پیشنهاد منظور آقایان هم بعمل آمده باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد هائی که رسیده است مضموناً بهم نزدیک است و سه چهار تبصره هم هست که تمام آنها در قسمت باغ است همه را یکبار میخوانیم.

پیشنهاد آقای افسر و چند نفر دیگر از آقایان

ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنیم.

ماده اول - بکلیه ایالات و ولایاتیکه تا کنون زراعت تریاک داشته اند در هر سال ناسه ماه قبل از شروع بزراعت تریاک در صورت تقاضای مالکین یا زارعین محل وزارت مالیه مکلف است اجازه زرع بدهد

تبصره - زراعت تریاک در خانه ها و باغهای مسکونی ممنوع است. افسر - امیر تیمور - ثابقی - دکتر ضیائی بوشهری - افخمی.

پیشنهاد آقای اعتبار و دو نفر دیگر از آقایان

ماده اول را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده اول - بکلیه ایالات و ولایاتیکه تا کنون زراعت تریاک داشته اند منتهی بمساحتی که در سنوات اخیر میکاشته اند در هر سال پنجاه ماه قبل از شروع بزراعت تریاک از طرف وزارت مالیه اجازه صادر و بوسیله امضاء مالیه در محل اعلان می شود - اعتبار - فهیمی ملک مدنی.

پیشنهاد آقای طهرانی

بنده پیشنهاد میکنم عبارت تبصره ماده يك اینطریق اصلاح شود:

تبصره - زراعت تریاک در خانه ها و باغات غیر مزروعی بکلی ممنوع است.

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم در تبصره ماده ۱ کلمه باغات شخصی حذف شود.

پیشنهاد آقای افسر

تبصره - زراعت تریاک در خانه های مسکونی در باغهای تفریحی و باغهای میوه کاری و نظیر آن ممنوع است.

پیشنهاد دیگر آقای افسر

تبصره - در منازل و باغهای مسکونی

رئیس - توضیحات داده شده است راجع باین پیشنهادات نظر دولت و مخبر؟

وزیر مالیه - راجع بخود ماده آقای فهیمی هم این جا يك تذکری دادند بنده مخالفتی ندارم که سه ماه زیاد تر باشد یعنی سه ماه و نیم یا چهار ماه باشد بیشتر خیر راجع بتبصره هم هر عبارتی که جامعتر باشد بنویسند بنده مخالفتی ندارم بنظر بنده غیر مزروعی بهتر است زیرا باغاتی هست تفریحی است مشجر است و باغ میوه است ولی باغ مسکونی نیست و خانه شخصی در آنجا نیست در هر صورت منظور عبارت از اینست که باغی که محل زراعت نباشد و اشجار هم داشته باشد البته این را بهر عبارتی بنویسید يك نقص درش هست بنا بر این هر کدام را مجلس قبول کنند مختارند بنده هم مخالفتی ندارم.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - آقای فهیمی توضیحی را که فرمودند در قانون سابق در ماده ۲ راجع باظهار نامه است و بحال خودش باقی است ولی هیچ اجرا نشده از موقعی که این قانون گذشته است تا حال که پنج سال است در تمام مرکز و ولایات که زرع تریاک میشده است آقایان نمایندگانات اطلاع دارند که در يك محل نه زارع آمده است اظهار نامه بدهد و نه مأمور سزاغ او رفته است در آنوقتی که این قانون از مجلس شورای ملی میگذشت

بنده خودم عضو کمیسیون قوانین مالیه بودم عرض کردم غیر ممکن است و عملی نیست الان هم اینجا عرض می کنم اگر چنانچه مقصود این است که این زارع بیاید و اظهار نامه بدهد و زرع تریاک بکند این را هیچ ممکن نیست مأمورین شما بتوانند اجرا کنند برای اینکه کار یکی دو تا سه تا نیست هزاران نفر هستند و اینها در بلوک و قراء متفرق هستند بنا بر این يك تشکیلاتی می خواهد و شما آن تشکیلات را ندارید که بتوانید این تشریفات را قائل شوید این بود که در آنموقع هم عرض کردم این پیشنهاد را هم که آقای اعتبار و آقای فهیمی تقدیم کردند که اصولاً خود اداره انحصار در نظر بگیرد که کدام ولایت کدام بلوک باید زراعت تریاک بشود قبل از زرعش اخطار و اعلان کنند بعلاوه آن محظور احصائیه هم که اشاره شد اداره انحصار در نظر دارد آن احصائیه را در موقع حراری ممکن است بدست آورد برای اینکه بدانند چقدر زراعت کرده است این بود که بنده خواستم توضیح بدهم که بدلیل این که آن ماده در قانون سابق اجرا نشده در این قانون هم نباید باشد و بنده با دادن اظهار نامه از طرف زارع مخالفم.

بیات (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - عرض میکنم این جا قسمتی را که آقای ملک فرمودند در قانون قدیم و جدید يك تفاوتی است که البته قانون جدید آنرا لازم ندارد در سابق فقط اظهار نامه برای این بود که دولت بداند در هر محل چقدر تریاک کاشته میشود ولی محدود نبود یعنی حدمعینی برای زرع تریاک نبود هر مقداری که میخواستند میکاشتنند و آزاد بود و فقط آن اظهار نامه برای این بود که آقایان مطلع باشند که در فلان ده قریب بیست جریب کاشته میشود که در موقعش تفتیش بکنند ولی بموجب این قانون دولت در نظر دارد که تریاک بهمان میزان که در سنوات اخیر کاشته میشده کاشته شود ولی وقتی که این در نظر است البته لازم است قبل از اینکه کاشته شود بیابند و اجازه بگیرند برای کاشتن و همان احصائیه که میفرمائید خود دولت دارد که فلان ده بیست جریب زراعت تریاک داشته

حالا هم دولت بهمان میزان اجازه میدهد ممکن است که این ده سی جریب بکار دهات دیگر هم باختیار خودشان بکارند آنوقت تکلیف دولت چه میشود تکلیفش این میشود که آن زرع را بکلی خراب بکنند و ازین برد آنوقت این ضرری میشود برای زارع که جبرانش غیر ممکن است بنابراین میگویند که اظهارنامه داده شود تقاضا شود فرض بفرمائید در فلان ولایت باید پانصد جریب یا هزار جریب تریاک کاشته شود و قتیکه اجازه خواستند البته آنها که زراعت داشتند مطابق احصائیه شان هیچ معطلی ندارد که باید بهشان اجازه داده شود و اگر چنانچه اضافه از میزان سابقشان خواستند آن اضافه داده نمیشود بنابراین حالا که محدود شده لازم است برای اینکه اگر این اجازه داده نشود ممکن است بعد اسباب خسارت رعایا فراهم شود برای اینکه دولت مجبور است برود بگوید چرا کاشتی و همین دلیل میشود که ازین برود و یک ضرری بزراع متوجه نمیشود بنابراین این سه ماه هم در اینجا لازم است قید شود. و آن قسمتی را هم که آقای وزیر مالیه موافقت فرمودند که چهار ماه قبل وزارت مالیه بولایات اطلاع بدهد و سه ماه قبل ولایات مطلع باشند و تقاضا کنند و مطابق تقاضایشان اجازه بدهند همین است که در ماده نوشته شده بنابراین بعقیده بنده ماده برتریبی که نوشته شده اشکالی ندارد و آن قسمتی را هم که آقایان پیشنهاد کردند در ماده سوم تأمین شده است و فقط چیزیکه باید بعقیده بنده وجه جمع باشد آن سه ماه است که تبدیل به چهار ماه بشود که آن را هم آقای وزیر مالیه قبول کردند و بنده هم قبول میکنم که در هر سال چهار ماه قبل باشد در اینجا هم که نظر آقایان تأمین میشود در قسمت تبصره هم چنانچه مذاکره شد هر یک از کلمات و عبارات را بگذاریم یک معایبی تولید میکند مثلا میفرمایند مسکونی نوشته شود آهم یک معایب دیگر دارد برای اینکه ممکن است که یک باغبانی در آن باغ سکنی داشته باشد یا اینکه یک

رعیت نوی آن باغ مسکون باشد آنوقت آن ازین برود اما آن عبارت غیر مزروعی بنظر بنده بهتر است و نظر آقایان را تأمین میکند (افسر - غیر مزروعی را معین کنید) زراعت عبارتست از کندم و جو و حبوبات و تریاک و غیره اینها مثلا میگویند فلان باغ زراعتی است یعنی این زراعت معمول که کندم و جو و پنبه و تریاک است درش میکارند البته در آن قسمت باغات و زمینها دولت اشکالی ندارد که بکارند اما یک قسمت باغاتی است که مشجر است و مزروعی نیست و باغی نیست که بشود درش زراعت کرد اما در باغاتی که مزروعی است تریاک بکارند و این اشکالی ندارد بنا بر این هر کدام این عبارات را که میفرمائید بگذاریم یک معایبی دارد ولی اگر اکتفا کنیم بهمین مزروعی کن میکنم رفع اشکال بشود.

اعتبار - اجازه میفرمائید.
رئیس - این معطلی ها اسباب اختلال جریان کار میشود. تبصره اصلاح شد.

افسر - بله موافقت شد

رئیس - ماده چطور. همانطور که پیشنهاد شده ؟

وزیر مالیه - در ماده مخالفتی نبود

رئیس - تبصره پیشنهادی را میخوانیم

تبصره - زراعت تریاک در خانههای مسکونی و باغهای

تفریحی و باغهای میوه کاری و نظیر آن ممنوع است (همه نمایندگان - زنک رئیس)

[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - بنده راه حلش را عرض میکنم و آن اینست

که اکثریت برای رأی نیست و تعلیق قضیه اجباری است

نهایت این است که برای کمک به آقای وزیر مالیه جلسه را

تسریع میکنیم که زودتر تشکیل شود که در این بین یک

توافقی هم پیدا شود که ما روز پنجشنبه در مقابل یک

کار معهودی باشیم اگر موافقت میفرمایند جلسه آتی پنجشنبه

۵ خرداد سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز

یعنی همین لایحه

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی .. داد